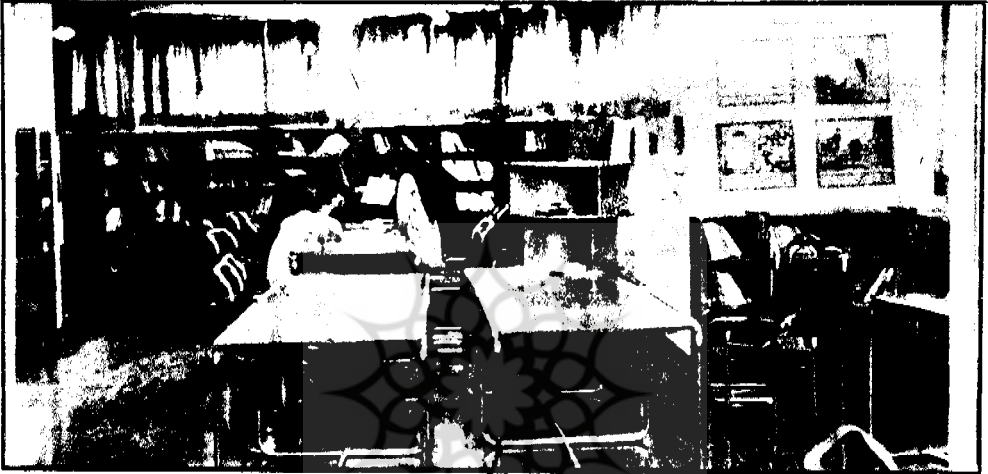


# دوستی



## خواندن

تمدن ماحصل دانشها و یادگارهای برجانهاده نسلهایی است که پیش از ما زیسته اند. ما نمی توانیم در این تمدن شرکت جویم، مگر اینکه با اندیشه نسلهای گذشته آشنا شویم. یگانه وسیله ای که ما را به این مقصود می رساند، سرانجام مردمی " تربیت یافته " باری آورد خواندن است هیچ چیزی نمی تواند جایگزین خواندن شود، نه سخی که در نطق بیاید چنین قدرت تربیتی دارد و نه تصویری که بر پرده سینما بناید. راست است که تصویر برای نمایانتر کردن نوشته وسیله پرارزشی است ولی در ساختن تصورات کلی چندان توانا نیست. فیلم نیز مانند نطق و

خطابه زودگذر و فنا پذیر و باز یافتن آن کاری دشوار و بلکه محال است، اما کتاب در سراسر زندگی پیوسته همدم ما می ماند. مونتینی می گفت که نمی تواند پیوند از سه چیز بگسلد: عشق و دوستی و کتاب. و این هر سه کم و بیش همانندند با کتابها هم می توان دوستی ورزید. کتابها دوستی همیشه ثابت قدم و وفادارند. من کتابها را چه بسا فرزانه تر و دل آویز تر از نویسندگانشان یافته ام. زیرا نویسنده از وجود خود آنچه را بهتر است به آثارش می بخشد و هنگامی که با او گفتگو می کنیم سخانش، هر چند لبریز از معنی باشد، می گریزد و از میان می روند، اما از راز کتاب همیشه می توان بی جوئی کرد. گذشته از

کتاب یگانه وسیله شناختن اعصار گذشته و بهترین وسیله وقوف بر احوال اجتماعی است که از دسترس ما بیرون است. من وقتی که شباهتهای شگفت انگیزی میان این جهانها، که زمان و مکانشان از ما دور است، با جهانی که اینک در آن زندگی می‌کنیم، می‌یابم خوشحالم صد چندان می‌شود.

مردمان همه در خلق و خوی به هم شبیهند. خلاصه آنکه بیش از یک نژاد وجود ندارد، و آن

این، میلیونها تن می‌توانند کتاب یا کتابهایی را دوست بدارند، بی‌آنکه این دوستی مشترک ریشکی میانشان برانگیزد.

کتاب وسیله ای است که ما را از حد خود فراتر می‌برد. هیچ کس خود آن اندازه تجربه ندارد که دیگران و خود را به خوبی بشناسد. ما همگی در این جهان بیکران و فروسته خود را تنها می‌یابیم و از آن رنج می‌بریم، بیداد زمانه و دشواریهای زندگی آزارمان می‌دهد. کتابها



هم نژاد آدمی است. "مردان بزرگ، بامانها از جهت قدر و منزلت فرق دارند وگرنه نهادشان بامایکی است، از این روست که سرگذشت آنها برای ما این همه دلپذیر است.

هرچند ما تا اندازه‌ای برای آن کتاب می‌خوانیم که از حد زندگی خود درگذریم و از زندگی دیگران آگاه شویم، با این همه سبب شادی و نشاطی که از خواندن کتاب به ما دست می‌دهد تنها در این نیست. ما در زندگی روزانه خود آنچنان در حوادث غرقه‌ایم که نمی‌توانیم این حوادث را آشکارا ببینیم، و آن قدر دستخوش هیجانات روحی خویشیم که

می‌آموزند که مردمی بسیار بزرگتر از ما نیز چون ما رنج برده‌اند و در جستجوی حقیقت کوشیده‌اند. آنها درهای گشوده‌ای بر اندیشه‌های دیگر و بر ملتهای دیگرند. به باری آنها، ما می‌توانیم از تنگنای جهان کوچک خود بگریزیم، از برکت آنها، ما از تفکر در باره خودمان رهائی می‌یابیم. شی را در کار خواندن کتابهایی بزرگ، به سرآوردن برای جان همان قدر سودمند است که گردش در کوهستان برای تن. آدمی از این ستیغهای بلند با سینه‌سر شده از آلودگیها و نیرومندتر و آماده‌تر باز می‌گردد تا با سختیهایی که در دشتهای زندگی روزانه می‌یابد دلیرانه بیکار کند.



کشورها، که شماره سان رویه فزونی است، همه مردم از حقوق مساوی برخوردارند و در سازمان حکومت شرکت می‌جویند و افکار عمومی آنان است که از راه تاثیر در اعمال رانمداران، در آخرین مرحله، سرنوشت صلح و جنگ، و عدل و ستم و خلاصه زندگی یک قوم یا همه جهانیان را تعیین می‌کند. این قدرت ملت مستلزم آن است که نوده‌ها، که اینک سرچشمه قدرتند از همه مشکلات بزرگ جهان آگاه شوند. من قبول دارم که باید این مردم رفته رفته در مدارس دانشگاهی فراگیرند، ولی اگر کتابخانه به یاری مدرسه برنخیزد، چنین آموزشی راه کمال نخواهد بیمود.

گوش فرادادن به درس شایسته‌ترین معلمان نیز نمی‌تواند به تنهایی روانهای روشن بیورود دانش آموز باید بیندیشد و هرنکته‌ای را بسه زرفی ببیند. نقش معلم در آن است که قالبهای استواری بسازد تا سپس خود آموزی آنها را پر کند. این خودآموزی جز با خواندن حاصل نمی‌شود. هیچ دانش آموز یا دانشجوی هر قدر هوشمند و کارآمد باشد، نمی‌تواند به تنهایی آنچه راجهائیان پس از هزاران سال به سامان رسانیده‌اند از نو بسازد. هر تفکر و تعمق استواری پیش از هر چیز، تفکر و تعمق در اندیشه نویسندگان بزرگ است. تاریخ، اگر به نقل وقایع و بیان اندیشه‌هایی اکتفا می‌کرد که معلم می‌توانست در طی اندک ساعاتی بازگوید، چیز بی ارزشی می‌بود، ولی اگر دانشجوی راهنمایی معلم، دریادداشتها و گزارش‌شاهدان و آمارها در جستجوی خود مواد و مصالح تاریخ برآید، آنگاه این دانش نکنه‌های گرانبهایی از زندگی به او خواهد آموخت.

خواندن تنها، ورزش نیروبخشی برای اندیشه

مجال لذت بردن از این هیجان‌ات راسمی‌یاییم. زندگی بسیاری از ما خود داستانی است که از داستانیهای دیگران چیزی کم ندارد، ولی ما نه تنها خود از این زندگی لذت نمی‌بریم، بلکه پیوسته از رنج آن نالانیم. هنر نویسنده در آن است که تصویر راسنی از زندگی پیش چشم ما می‌گذارد، ولی آن را در چنان فاصله‌ای از ما نگاه می‌دارد که ما بی اندک بیم و احساس مسئولیتی، از آن لذت می‌بریم. کسی که رمان یا سرگذشت بزرگی می‌خواند در کشاکش حادثه، بزرگی زندگی میکند، بی آنکه صفای خاطرش از آن شوریده شود. هنر چیزی را سه تماشا می‌گذارد که آدمی در عمل نمی‌یابد و آن زندگی است که همراه با آرامش باشد. خواندن کتابهای تاریخی سلامت اندیشه می‌آورد و درس اعتدال و تساهل می‌آورد و نیز نشان می‌دهد که ستیزه جویی‌هایی که آتش جنگهای خانگی یا جهانی را برافروخته است امروز دیگر مشاجرات مرده‌ای بیش نیست، و این درسی است که ما را به فرزنگی می‌خواند و به نسبی بودن ارزشها معتقد می‌کند. کتاب خوب خواننده را آنچنانکه پیش از خواندن بود نمی‌گذارد، بلکه او را سه صفات نیکوتری می‌آراید.

کتابخانه

بنابراین، برای مردم جهان هیچ چیز مهم‌تر از آن نیست که این وسیله‌های گریز از خود و شناخت دیگران، که افق اندیشه‌ها را می‌گشاید و زندگی را یکباره دگرگون می‌کند و ارزش اجتماعی فرد را افزایش می‌دهد، در دسترس همگان قرارگیرد. یگانه راهی که این مقصود را برمی‌آورد ایجاد کتابخانه‌های عمومی است.

مادر زمانی زندگی می‌کنیم که در بسیاری از

نیست بلکه آدمی را از زاریتهان حقیقت آگاه  
می‌کند، چرا که حقیقت هرگز آماده و برداخته  
به دست نمی‌آید و باید حقیقت جو خود آن را  
در پرتو کار و بصیرت و پاکدلی دریابد و کتابخانه  
مکمل لازم مدرسه و دانشگاه است. من با را  
فراتر می‌گذارم و از روی ایمان می‌گویم که آموزش  
فقط کلیدی است که درهای کتابخانه را می‌کشد.  
این نکته بیش از همه در مورد آموزش  
بزرگسالان صادق است. جوانی که می‌خواهد

دانشجویان کهن را در هم ریخته اند. چه کسی  
مردان و زنان را از این دگرگونیها که حاکم بر زندگی  
و بهروزی آنان است آگاه خواهد کرد؟ چه کسی به  
آنان مجال خواهد داد تا با آنکه از کار روزانه  
خود غفلت کنند، با تازه‌ترین اکتشافات جهان  
دانش و هنر آشنا شوند؟ کتاب و تنها کتاب.  
کتابخانه عمومی باید به کودکان و جوانان  
و مردان و زنان امکان دهد تا در همه زمینه‌ها پا



وظایف خود را با هشیاری تمام به جا آورد باید  
درس‌ساز زندگی یکدم از آموختن نیاساید. جهان  
آن روز که ما مدرسه را به پایان می‌رسانیم، از  
حرکت بازمی‌ایستد، بلکه تاریخ پیوسته در کار  
پدید آمدن است و هر زمان مسائلی پیش می‌آورد  
که سرنوشت جهانیان به آنها باز بسته است.  
اگر برای مسائل واقف نباشیم، چگونه می‌توانیم  
از آیینهای نیکو هواخواهی و پاسداری کنیم، یا  
بادیوانگیهای جنایتبار به ستیزه برخیزیم. آنچه  
در مورد تاریخ درست است، در زمینه‌های اقتصاد  
سیاسی و همه رشته‌های علوم و فنون نیز صدق  
می‌کند. در طی پنجاه سال گذشته، مردم جهان

به پای زمان گام بردارند. باید با کمال بی‌غرضی  
و خیرخواهی آثاری را در دسترس آنان بگذارد تا  
خود صاحب نظر شوند و در کارهای عمومی بینش  
انتقادی و سازنده خود را به کار اندازند.  
کتابخانه عمومی استعدادهای نهفته را نیز  
بیدار می‌کند. صاحبان ذوق و استعداد، که  
مجال پرورش خود نیافته‌اند، با خواندن آثار  
بزرگان به سوی دانش و ادب و هنر می‌گرایند و  
به سهم خود برغناهی گنجینه مشترک فرهنگ  
و تمدن جهانیان می‌افزایند.

بالاخره وازهمه بالاتر آنکه کتابخانه‌ای که به خوبی مجهز ودرهای آن به روی همگان باز باشد قدر زندگی خوانندگان را بالا می‌برد. در زمان ما که ماشین نا حدی جایگزین آدمی شده و اوقات فراغت افزایش یافته است، باید که این وقتها هر چه نیکوتر در کار خیر و صلاح افراد و اجتماع صرف شود. بیگمان ورزش و بازی و سفر به این مقصود یاری می‌کند، اما هیچ چیز بهتر از خواندن کتاب نمی‌تواند مردمی به دانش آراسته و جوانمرد و خیرخواه بار آورد. همان‌گونه که کتابهای تاریخی و علمی اندیشه‌های توانا می‌سازند داستان و نمایشنامه نیز دل‌های مهربان می‌آفرینند. خواننده‌ای که نویسندگان بزرگ کشوری را نیک می‌شناسد، حتی اگر به آن سرزمین نرفته باشد، حتی اگر به زبان مردم آن کشور سخن نگوید، دیگر در آنجا بیگانه نیست.

#### خدمات انجام یافته

بنابر این کتابخانه عمومی امروزی سازمان زنده و پرجنب و جوشی است که به پیشباز خواننده می‌شتابد تا از حاجت‌های او آگاه شود. و آنها را روا کند و او را به سوی خود می‌کشد و وسیله‌های گوناگونی در دسترس او می‌گذارد تا از دانستنیها آگاهی یابد یا بردانش خود بیفزاید و اوقات فراغت خویش را خوش کند. بیسبب مجموعه‌های این کتابخانه باید با چنین برنامه‌ای منطبق باشد. لازم است که همه کس در آن بتواند به مراجعی، مانند فرهنگ و دایره‌المعارف و فهرست کتب و اطلس و فهرست وقایع تاریخی، دست یابد. مجموعه تاریخی

آن باید آثار عمومی این رشته، مانند تاریخ جهان و تاریخ کشورهای بزرگ و به خصوص تاریخ کشوری که کتابخانه در آن برپاست و نیز تاریخ هنر و ادبیات و علوم را شامل باشد. غرفه کتابهایی که در احوال بزرگان جهان است غالباً خوانندگان بسیاری را به خود می‌کشد و نیز کتابهایی که در باب جغرافیا و سفرنامه و علوم و فنون باشد برای هر کتابخانه‌ای از اهم واجبات است.

از میان آثار نویسندگان کهن، آثاری شایسته برگزینند که هنوز خوانندگان خود را از دست نداده باشند. شاعران قدر اول اندکند و آثار آنان را می‌توان به آسانی فراهم آورد. دشوارترین کار گرد آوردن داستان و نمایشنامه است — فراوانی این گونه آثار به حدی است که حذف بسیاری از آنها را، هر چند از انصاف بدور باشد، ناگزیر می‌سازد. پیش از همه، باید آثار داستان‌سرایان و نمایشنامه‌نویسان چیره دست را گرد آورد. گذشته از آنچه گفتیم، مجموعه‌های کتابخانه باید شامل کتابهای فنی و حرفه‌ای و رساله‌هایی که از رموز حرفه‌ها و صنعت‌های گوناگون دستی، خاصه صناعی که در قلمرو کتابخانه مشهور است، نیز باشد. دسترسی به قفسه‌های کتاب را باید آزاد گذاشت فهرستهای "فیش شده" باید چنان منظم باشد که خواننده را یکسر به کتاب دلخواه خود هدایت کند و او، به یاری روش درستی که در ترتیب کتابها به کار رفته است، آشکارا دریابد که کتابخانه در باب موضوع مورد علاقه او چه کتابهایی دارد.

برنامه کتابخانه عمومی امروزی شامل فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی گوناگون، از قبیل سخنرانی و بحث در مسائل ادبی و هنر —



و اجتماعی ، نمایش آثار هنرمندان و نویسندگان نیز هست . این فعالیتها از راههای گوناگون به کتاب می پیوندند و نیاز به خواندن را برمی انگیزد بدین گونه کتابخانه عمومی به حق خود کانونی فرهنگی است که دانشهای بشری را نشر می دهد و شادمانی بزرگی میان مردم می براند و ابزار نشر افکار و وسیله گذراندن هشیارانه اوقات فراغت را به دست افراد اجتماع می دهد قلمرو فعالیت آن تنها به سطحی که در آن واقع است محدود نمی شود ، بلکه مردمان روستانشین را نیز که از دیرباز محل بی اعتنائی بوده اند ، از برکت خود برخوردار می کند . ممکن است در برخی از روستاها کتابخانه های خاص دانش آموزان یافت شود ، ولی غالباً این گونه کتابخانه ها به بزرگسالان کتاب امانت نمی دهند و اینکه کتابهای آنها محدود و اندک است و ذهن جوینده را قانع نمی کند . بسیاری از کشورهای جهان در کار اداره کتابخانه های عمومی شیوه بسیار پسندیده ای به کار گرفته اند و در پاره ای دیگر چنین کوشش شایسته ای در کار است که آینده امیدبخشی را نوید می دهد . در این کشورها در مراکز استانها و شهرستانها کتابخانه های منطقه ای برپا شده است و این کتابخانه ها نیازمندیهای کتابخانه های سیار را که قوت جان به بخشهای روستایی نشین می رسانند ، برمی آورد .

تنها کتاب و خواندن است که نشر تمدن را میسر می سازد . درست گفته اند که حق خواندن ، در

روزگار ما ، از حقوق مسلم آدمی است . همه مردمان ، از زن و مرد ، باید دسترسی آزادانه ای به کتاب داشته باشند . بخت اگر یار شود ، کتابها میراث تجارب اندوخته گذشتگان را به دست آیندگان خواهند سپرد و از این راه زندگی مردم جهان را دگرگون خواهند کرد .

دلهای انسانهای متعدد ، دلهایی است  
 که رئوف و مهربان بر همه بشر است .  
 امام خمینی